

ابراهیم خلیل - میثاقی معقانی

معاون اداره ثبت احوال آذربایجان شرقی

شناسنامه و موقعیت قانونی آن

سابقه تاریخی

مقدمه:

شناسنامه یکی از ابداعات و مظاهر حقوق اروپائی است که بتدریج باتوسعه و پیشرفت تمدن به کشورهای دیگر نفوذ یافته و به تحقیق معلوم نیست که برای اولین مرتبه در کدام یک از کشورهای اروپائی مورد استفاده واقع شده گویا برای اولین مرتبه در کشور فرانسه از آن بصورت بسیار ابتدائی استفاده رسمی شده. و در حقوق روم و فقه اسلامی از آن ذکری به میان نیامده اما برای شناسائی نفقات ارتش متفقین در جنگ اول جهانی کارتهای شناسائی بقسمتی از نفقات ارتش باعلامات رمز مخصوص بکار رفته است که میتوان نمونه کوچکی از آن بشمار آورد. و در حال حاضر کمتر کشوری هست شناسنامه که وسیله شناسائی هویت فردی است مورد استفاده قانونی آن واقع نشده. در کشور ما نیز این شاخه از حقوق داخلی با وجود ضرورتی که در آن احساس میشود مطالعات کافی در اطراف آن صورت نگرفته و در تألیفات حقوقی مدنی که تا کنون منتشر گردیده بطور قابل توجهی از آن بحثی نشده و فقط برؤس مسائل کلی و بسیار عمومی آن بطور اجمال اشارت رفته است. و بعید نیست که در سالهای تحصیلی فارغ التحصیلان حقوق قضائی دانشکده حقوق تهران مطالبی نسبتاً مفصلی باشد. و اخیراً که دانشنامه حقوقی تألیف آقای دکتر جعفری لنگرودی منتشر شده فصلی از این کتاب مفید باین

موضوع اختصاص یافته مع الوصف توضیحاتیکه در این مجموعه بنظر میرسد منظوری
راکه ملازمه باشناسائی این موضوع است تأمین نمینماید و بالتدریج بحث و موقعیت
و کمیت و کیفیت این سند و شناسائی از نظر قانونی که مبتلا به عمومی است ضرورت
داشت مقتضی دانستم تا آنجائیکه امکان دارد بحثی در این موضوع بدون سابقه
بمعمل آید .

۱- تا سال ۱۲۹۷ شمسی در کشور ما سابقه تاریخی رسمی در این مورد
مشهود نمیشود و در این وقت است که برای اولین مرتبه به پیروی از حقوق جدید به
موجب یکفقره تصویبنامه که از هیئت وزیران میگذرد پلیدی تهران در مرکز و حکام
وولات در ولایات مامور اجراء و توزیع شناسنامه تحت شرایط بخصوصی میشوند. و در
اجرای همین تصویبنامه یادستور العمل بوده که شهرداری تهران باین امر شروع نموده
و بر حسب تحقیقی که شده اولین شناسنامه در ایران بنام مرحوم دکتر ولی اله خان نصر
رئیس مدرسه حقوق سیاسی بشماره یک صادر گردیده و این امر تا سال ۱۳۰۴ بصورت
ناقصی مورد عمل بوده که در چهاردهم خرداد ۱۳۰۴ ضمن لایحه بسیار فشرده بصورت
قانونی و لازم الاجراء در تمامی کشور در آمده و بموجب این قانون وزارت کشور با
تشکیل اداره جدیدی بنام سجل احوال در داخله کشور و نمایندگان کنسولی ایران
در خارج از کشور این وظیفه را برای افراد ایرانی بعهده گرفتند و از آن تاریخ تعمیم
و اجرای این قانون تدریجاً برای افراد ایرانی در هر نقطه و در هر موقعیتی امر اجتناب
ناپذیر و الزامی شد زیرا اقدام به هر عمل اداری و حتی اجتماعی ملازمه با ارائه
شناسنامه و استفاده از آن بود.

انواع شناسنامه و تحولات اسمی آن

شناسنامه در بدو امر مطابق تصویب نامه که از آن یاد کردیم به نام (سجل)
شناخته شد تا جائی که فعلاً در بین طبقه خاصی باین عنوان نامیده میشود و بعداً در
اولین قانون مصوب و تحولات بعدی آن بنام (ورقه هویت) نام دارد و در سال ۱۳۱۶
این واژه از طرف فرهنگستان و بایستی که مامور تغییر لغات عربی مستعمل در زبان
فارسی بودند به واژه (شناسنامه) مبدل شد که حقا با توجه با کثرت واژه های منتخبه
از این طریق کلمه بسیار متناسب و بجا میباشد که در سیر تحولات قانونی ثبت احوال
بخصوص در قانون ۱۳۱۹ قانوناً و رسماً بنام (شناسنامه) تسجیل گردیده .

اطلاعی که بدست آمده و امکان تجدید نظر و تحقیق را دارد این است که شناسنامه تاکنون قریب به بیست نوع مختلف از نظر شکل و قطع و مندرجات آن مورد استفاده و عمل قانونی ثبت احوال و مأمورین وزارت امور خارجه در خارج از کشور واقع گشته که توضیح درباره خصوصیات آنها از حوصله این بحث خارج است و اجمالاً دو نمونه اولی و دومی بصورت یک برگی و بقیه آن بشکل دفترچه‌های متفاوتی از لحاظ تعداد برگ و قطع بوده است که فعلاً نیز با گذشت نیم قرن در دست صاحبان آخان باقی است.

شناسنامه که معرف هویت و مشخصات قانونی و طبیعی دارند آن است شخص را در مورد احوال شخصیه و موقعیت سیاسی و اجتماعی و سن و محل تولد و اینکه ازدواج نموده و دارای فرزند میباشد یا نه؛ و بالاخره در حال حیات و پاممات میباشد معرفی مینماید و چنین بنظر میرسد که با وجود نواقص و معایبی که پیشرفتهای اخیر کشور در مقام و موقعیت این وسیله شناسائی قانونی بوجود آورده و باید آنرا هماهنگ با احتیاجات و ضروریات زمان حاضر و آینده کرد و آخرین نمونه و مدل آن که مورد عمل و استفاده میباشد نسبت بسایر نمونه‌های منتشره برای تامین نظر اجتماعی مفید بنظر میرسد. نگارنده نسبت به امر ثبت احوال که نتیجه غائی و نهائی آن توزیع شناسنامه و زیرسازی قابل اعتماد و اطمینانی در همه شئون اداری و قضائی و اجتماعی ما میباشد نظریاتی دارم که بمداً اگر فرصتی بدست آمد تقدیم نشریه کانون و کلاه آذربایجان خواهم نمود.

شناسنامه چیست ؟

هیچیک از قوانین و مقررات شناسنامه را تعریف نکرده که بچه نوع نوشته یا سندی اطلاق میشود. و از این لحاظ تعریف شناسنامه مسکوت است فقط به تحصیل الزامی آن در مورد افرادی که دارای تابعیت ایرانی است اکتفا نموده و در آئین نامه های ثبت احوال هر موقع که تجدید نظری شده با ضمیمه نمودن آن این سکوت قانونی را شکسته‌اند و از مجموع قواعد و نمونه که در آخرین آئین نامه ضمیمه شده میتوان شناسنامه را بدین صورت تعریف نمود (شناسنامه مستخرجه از نخستین سند سجلی و مطابق با نمونه‌ای در آئین نامه ثبت احوال میباشد که از طرف مأمور صلاحیت‌داری یا توجه به ترتیبات بخصوصی تنظیم و برای هر فرد ایرانی یا نماینده قانونی او تسلیم میشود و تمامی مندرجات آن سند رسمی و معتبر است) از این تعریف که ممکن است

خالی از نقص هم نباشد میتوان به نتایج حقوقی و قضائی و قانونی ذیل توجه نمود.

الف- شناسنامه مستخرجه از نخستین اسناد سجلی است لذا باید چنین نتیجه گرفت که شناسنامه که فاقد سند سجلی میباشد نمیتواند از نظر اعتبار دارای خاصیت وصف قانونی به معنای واقعی آن باشد و در این موقع چنین شناسنامه دو حالت متضاد را متضمن است.

۱- صدور چنین شناسنامه از روی اشتباه بوده و یا در اثر عواملی از قبیل سیل و حریق و سرقت سند آن از بین رفته است.

۲- تنظیم شناسنامه از روی تعمد و برای فرار از تنظیم اسناد سجلی و جهت تسهیل غیر قانونی و یا گمراه کردن مسئولین امر صورت گرفته .

در حالت اول چون سوء نیتی در کار نبوده و عمل مبتنی بر وقوع اشتباه و یا اختلاف است و یا مستندان آن از بین رفته و در مقابل یک عمل قهری و اضطراری هستیم با الطبع نمیتوان کسی را که عملش ناشی از اشتباه است مقصر از نظر قانون جزا بشمار آورد و یا برای یک عمل اضطراری که آن هم از حیثه توانائی فرد یا افرادی خارج بوده مسئول شمرد لذا با توجه به ماده ۲۲ آئین نامه ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ تحت شرایط و قواعدی با استناد شناسنامه مزبور (نسختین سند سجلی) تنظیم میشود و شناسنامه فاقد سند اعتبار قانونی و رسمی خود را باز مییابد .

در حالت دوم چنین شناسنامه از لحاظ صدور و تسلیم مبتنی بر سوء نیت تنظیم کننده و در واقع جعل از نظر قانونی بشمار میرود . و استفاده از این وضع مخصوصاً اختصاص به مواقع تدلیس و تبانی و جعل آن میباشد و یکی از مواردی که بسیار مورد استفاده جا علین شناسنامه شده همین مورد بخصوص است .

شناسنامه منحصرأ در روی نمونه قانونی است .

نمونه قانونی شناسنامه ماخوذ از اندازه و شکل و چاپ منضمه به آئین نامه ثبت احوال است و نمونه هائی که در آئین نامه های سابق بوده بطور عموم آنچه تا انتشار نمونه حاضر مورد عمل واقع نشد و احیاناً موجود باشد از درجه اعتبار قانونی ساقط هستند این قبیل شناسنامه ها را نمیتوان مورد استفاده قانونی قرارداد و فرض اینکه کسانی باشند که شناسنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند چندان هم دور از احتیاط نیست چنانکه در زمان توزیع کوپن های قند و شکر و خواربار در زمان جنگ سوء استفاده از این قبیل شناسنامه ها به شیوع پیوست و جرایم و مطبوعات نیز مطالبی

در این خصوص عنوان نمودند. بنابراین شناسنامه باید (منحصراً روی نمونه) باشد که دارای اعتبار قانونی و رسمی است.

مامور صلاحیتدار .

صدور شناسنامه قانوناً بعهده دو مرجع مختلف است.

الف- در مواردی که فردی برای اولین مرتبه دارای شناسنامه میشود (در

داخله کشور نمایندگان ثبت احوال) و (در خارج از کشور مأمورین کنسولی)
ب- در مواقع فقدان یا قابل تعویض بودن شناسنامه (مدیر بایگانی اسناد
سجلی محل صدور شناسنامه) در داخله کشور (مامور کنسولی که امور بایگانی اسناد
سجلی را در خارج از کشور بعهده دارد) و هکذا (مدیر بایگانی اسناد سجلی ثبت
احوال امور خارجه در تهران) برای شناسنامه که از مأمورین خارج از کشور صادر
شده است .

بنابراین صدور و تسلیم شناسنامه منحصراً در صلاحیت پنج نفر مأمور سجلی
از نظر قانونی قرار گرفته و سایر مأمورین تحت هیچگونه عنوانی حق تنظیم
شناسنامه ندارند .

ترکیبات قانونی

بر حسب مقررات قانونی ثبت احوال هر کس نمیتواند برای تقاضا و دریافت
شناسنامه خود و یا دیگران بدون قید و شرطی اقدام نماید یا بعبارت دیگر آنرا دریافت
نماید بلکه اقدام باین امر مانند سایر امور حقوقی و اعمال آن تابع قواعدی است و
اجمالاً به موارد ذیل باید توجه شود.

الف- کسی که سن وی ۱۸ سال تمام و یا بیشتر است اعم از ذکور و اناث شخصاً
میتواند هر گونه اقدام لازم را برای تقاضا و تحصیل شناسنامه (بدایتاً) بعمل آورد
و یا به تحصیل آن در مواقع فقدان و یا تعویض اقدام کند که در این موقع شناسنامه بنام
(المثنی) نامیده میشود.

ب- پدر- جد پدری- مادر- قیم- وصی- و مأمورین انتظامی در مورد افراد
سرراهی- رئیس یا نماینده مؤسسات خیریه در مورد افرادی که سن آنان بحد بلوغ
قانونی نرسیده اند و وکیلی که وکالت او برای دریافت شناسنامه مسلم باشد.

افراد ایرانی

شناسنامه مطابق ماده ۳۲ قانون ثبت احوال مخصوص اتباع ایرانی است افرادی که تابعیت ایرانی آنان مشکوک و کسانی که دارای تابعیت خارجی هستند نه چنان حقی را دارند و نه مامورین ثبت احوال میتوانند بآنان شناسنامه صادر و تسلیم نمایند. اگر فردی از افراد خارجی مطابق قانون، به تابعیت ایرانی درآید چنین افرادی نیز مانند سایر افراد ایرانی میتوانند تحصیل شناسنامه نمایند. همگذا کسانی که از تابعیت ایرانی خارج میشوند شناسنامه آنان اخذ و اسناد سجلی آنان به استنادسند ترك تابعیت ابطال میشود و همگذا اگر اشتهاً برای يك نفر تبعه خارجی سند سجلی تنظیم و شناسنامه صادر شود باید از طریق دادگاه شهرستان محل صدور شناسنامه بر حسب تقاضای ثبت احوال یادداشتان ابطال شود.

شناسنامه سند رسمی است.

اعتبار رسمی بودن شناسنامه و سندیت آن مستند بماده ۱۲۸۷ مدنی و ماده ۴۷ قانون ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ میباشد هر نوع مداخله در آن چه از طرف مامور صادرکننده و چه از ناحیه افراد دیگر ممنوع میباشد و اگر اقدامی بعمل آید عنوان جعل و تزویر یا الصاق متقلبانه را خواهد داشت. ضرورت دارد که توضیح دهم بعد از صدور شناسنامه دو مرجع قانونی میتوانند برای شناسنامه مندرجاتی اضافه نمایند باین شرح.

الف- (نماینده ثبت احوال) و (مامور کنسولی) که وظیفه ثبت ولادت فرزند صاحب شناسنامه را در (داخل و خارج کشور منحصرأ) بعهده دارند که مشخصات فرزند صاحب شناسنامه را در صفحه مشخصات اولاد صاحب شناسنامه ثبت و مهر و امضاء میکنند.

ب- همان نماینده و مامور کنسولی مندرج در بند الف که وظیفه ثبت فوت صاحب شناسنامه را در موقع درگذشت دارنده شناسنامه بعهده دارند که تاریخ فوت و محل وقوع آن و شماره ثبت دفتر متوفیات را در صفحه آخر شناسنامه متوفی ثبت و

مهر و امضا . میکنند .

ج - (سردفتران ازدواج و طلاق رسمی) و (مأمورین کنسولی) به ترتیب در (داخل و خارج کشور) که قانوناً در حین اجرای عقد و ثبت آن ثبت واقعه ازدواج و طلاق را مکلفند که میتوانند مراتب ازدواج و یا طلاق را در شناسنامه‌های زوجین (فقط برای یک مرتبه) ثبت نمایند .

غیر از مراجع مزبور هیچکس حق آنرا ندارد که در شناسنامه که صادر شده مطالبی افزوده و یا آن دخل و تصرفی نماید . چنانچه اقدامی و عملی صورت بگیرد نه تنها دارای اعتبار قانونی نیست بلکه متهم به جعل و تزویر از نظر قانون جزاء خواهد بود .

تغییر مطالب شناسنامه

تغییر مندرجات قانونی شناسنامه تابع قواعد و ترتیباتی میباشد که در این بحث مورد نظر نیست سابقاً در شماره ۷۴ و ۷۶ مجله کانون وکلاء تهران از آن تحت عنوان (نحوه تغییر مطالب اسناد سجلی) بحث شده و بطور خلاصه محدود به صلاحیت قانونی دو مرجع قضائی و اداری است . و امیدوارم آنچه عنوان گردید و توضیح داده شده برای علاقمندان بی فایده نباشد .

مجموعه کانون اسناد سجلی و مطالعات فرسنگی
ژنرال جامع علوم انسانی